

بهار ادب

تاریخ مختصر زبان و ادبیات فارسی
در شبه قاره هند و پاکستان

www.ketab.ir

دکتر قاسم صافی

دانشیار دانشگاه تهران

۱۳۸۲



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲۶۰۸

شماره مسلسل ۴۶۷۳

صافی قاسم، ۱۳۲۷-
بهار ادب: تاریخ مختصر زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان / قاسم
صافی - تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۲.
۱۸۲ ص - (انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۲۶۰۸)
ISBN 964-03-4673-x: ۱۱۰۰۰ ریال
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
عنوان دیگر: تاریخ مختصر زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان.
Bahar-e-Adab: Ashort History of Persian
ص.ع. به انگلیسی: Language and Literature in Indian and Pakistan.
کتابنامه: ص [۱۳۹] - ۱۵۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. فارسی - - هند - - تاریخ. ۲. ادبیات فارسی - - هند - - تاریخ. ۳. فارسی - -
پاکستان - - تاریخ. ۴. ادبیات فارسی - - پاکستان - - تاریخ. الف. دانشگاه تهران. مؤسسه
انتشارات و چاپ. ب. عنوان. ج. عنوان: تاریخ مختصر زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و
پاکستان.
۲ ص ۸۹ / PIR ۲۶۶۸ ۸۵۴ / ۸۱۰۰۰۰
کتابخانه ملی ایران
۸۱-۵۰۰۰۰

شابک ۹۶۴-۰۳-۴۶۷۳-x ISBN 964-03-4673-x
عنوان: بهار ادب: تاریخ مختصر زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان
تألیف: دکتر قاسم صافی
ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۲ (چاپ اول)
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.
«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»
بها: ۱۱۰۰۰ ریال

پست الکترونیک: Press@ut.ac.ir - آدرس سایت: Press.ut.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
فصل ۱:	
نظر اجمالی به سرزمین هند و پاکستان	۱۳
فصل ۲:	
هند در دوره باستان	۲۱
فصل ۳:	
هند در دوره اسلامی	۲۹
فصل ۴:	
عصر سلاطین دهلی (۱۰۰۰-م تا ۱۵۲۶-م)	۳۷
فصل ۵:	
زبان فارسی در عصر غزنویان و سلاطین دهلی	۴۷
فصل ۶:	
ملاحظات در باب گسترش عرفان و تصوف و ادبیات عرفانی شبه قاره تا دوره تیموریان	۵۵
فصل ۷:	
عصر تیموریان (خانواده بابریان یا مغولان)	۶۹

فصل ۸:

مذاهب و فرق تصوف در دوره تیموریان هند ۸۹

فصل ۹:

خدمات دیگر شعرا و ادبای ایرانی ۹۷
در اعتلای فرهنگ و ادب شبه قاره

فصل ۱۰:

روابط فرهنگی و ادبی ایران و شبه قاره ۱۰۱۳

فصل ۱۱:

دوره استیلای انگلیس تاکنون ۱۲۵

فصل ۱۲:

پانوشتها و کتابنامه ۱۳۹

نمایه (فهرست اعلام) ۱۴۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

درباره موضوع این کتاب و سبب تألیف آن

شواهد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که روابط و مناسبات نزدیک فرهنگی و انسانی و پیوندهای اصیل و ماندگار بین ملت‌های ایران و هند و پاکستان و دیگر کشورهای موسوم به شبه قاره از ازمئه دور برقرار بوده است و به گفته نهرو «در بین تمام ملل و نژادهای بیشماری که با هندوستان تماس داشته و در زندگانی و فرهنگ هند نفوذ کرده‌اند قدیمترین و بادوام‌ترین آنها، ایرانیان می‌باشند»^(۱).

هندیان و ایرانیان از یک شاخه مشترک آریایی به وجود آمده‌اند؛ زبانهای سانسکریت و ودا و فرس قدیم ایرانیان با یکدیگر شباهت زیادی دارند؛ تعالیم زرتشت و بودا دارای ریشه‌های مشترکی هستند؛ آخرین اکتشافات باستانشناسان در دره سند و پیدایش خرابه‌های شهرهای مهمی مانند موهنجودارو و هاراپا، دلایل بارز و گویایی از ارتباط و نزدیکی دو قوم بوده و نشان می‌دهد که تمدن ایرانیان و هندیهای ناحیه شمال غربی هندوستان از یک منبع الهام گرفته و در اصل یکی بوده‌اند.

به یمن این پیوندها و بخصوص تأثیر انتشار اسلام در این دیار، روابط فرهنگی غنی و استواری بر پایه دوستی و مودت بین آنان بوجود آمده است که در این میان زبان فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و قرن‌ها محمل تفکر و فرهنگ (اسلامی - ایرانی) بوده و از طریق آن، اندیشه‌های ژرف اندیشمندان پارسی زبان، جان و دل مخاطبانشان را تعالی بخشیده است.

سر این رشته ندانم زکجا بگشایم؛ تمدن و فرهنگ ایرانی از راههای مختلف و متنوع در هندوستان نفوذ کرده و تقریباً شامل تمام مواهب و طرق مذهبی، فلسفی، معماری، زبان و ادبیات، نقاشی، هنرهای زیبا، موسیقی، علوم طبیعی، پزشکی و حتی نساجی، پارچه‌بافی، باغداری، تشکیلات اداری و اقتصادی است و همچنین بسیاری از مظاهر تمدن ایرانی از طریق هندوستان به غرب رسیده و منشأ اثر ترقیات بیشتری شده‌اند.

نور اسلامی بعد از عبور از منشور تمدن و فرهنگ ایرانی، طیفهایی از زیبایی و جمال و آزادی و آزادمنشی به دنیا و مخصوصاً هندوستان عرضه داشته است که در هیچ جای دیگری نظیر ندارد. اگرچه اعراب اولین قومی بودند که اسلام را به ناحیه شمال غربی هندوستان بردند ولی هیچگاه از رود سند جلوتر نرفتند و بواقع اسلام که در اواخر قرن اول هجری به وسیله جمعی از سپاهیان تحت فرماندهی محمد بن قاسم به نواحی غربی شبه قاره (سند) وارد شد بار دیگر از طریق ایران توسط غزنویان راه یافت و رواج گرفت که در این وهله، زبان فارسی به جای زبان عربی، به عنوان زبان دین اسلام و وسیله تبلیغ و ارتباط شناخته شد و مشخصه بارز مسلمانان در مقابل پیروان سایر ادیان قرار گرفت و غیرمسلمانان نیز به آموختن آن روی آوردند. این موقعیت تا دوره‌های بعد: غوریان، سلاطین دهلی، و سلاطین تیموری ادامه داشت (۶۰۲ هجری تا ۱۲۷۴ ه)، و بدین سان زبان شیرین فارسی سرتاسر شبه قاره را در نوردید و نویسندگان، شاعران، دانشمندان، صنعتگران، معماران و نقاشان نامداری را در دامن خود پروراند که آثار ارزشمندی از آنها به یادگار مانده است.

مهاجرت نویسندگان، شعرا، علما و مبلغان به شبه قاره که عمدتاً از دوره غزنویان آغاز شد در دوره‌های بعد، بخصوص در دوران گورکانیان، حرکتی شتابنده‌تر از پیش یافت و بتدریج گروه بیشماری از عرفا و ادبا نظیر هجویری غزنوی، میرسید علی همدانی، صائب تبریزی، عرفی شیرازی، ظهوری ترشیزی، کلیم کاشانی، محمدقلی سلیم تهرانی، مسیح کاشانی، نظیری نیشابوری، ملک قمی، طالب آملی، غزالی مشهدی و صدها تن دیگر در این سرزمین، رحل اقامت افکندند و اندیشمندان و ادیبان و شاعران بزرگ دیگری نظیر بیدل دهلوی، غنیمت پنجابی، فیضی دکنی، ناصرعلی سرهندی، غنی کشمیری، شوکت بخارایی، فقیر دهلوی، جویا کشمیری، چندربهان برهمن و بسیاری دیگر که اصالتاً هندی بودند و در هند پدید آمدند، زبان فارسی را برای بیان

اندیشه‌ها و باورداشتهای خویش برگزیدند و آثار گرانسنگی به این زبان از خود به یادگار گذاشتند و هزاران جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات، عرفان، فلسفه، کلام، دین‌شناسی، زبان‌شناسی، دستور زبان فارسی، معانی و بیان، متون ادبی، تفسیر، فقه، فرهنگ‌نویسی و تاریخ به رشته تحریر درآوردند. پشتیبانی و حمایت حکمرانان شبه قاره بویژه پادشاهان تیموری و زجال دربار آنها مانند بیرم خان و فرزندش عبدالرحیم خانخانان و شاهزاده داراشکوه از اهل فکر و فرهنگ و هنر، سبب مهاجرت این بزرگان بود. اگرچه محیط مساعد و سرزمین زرخیز هند و بی‌توجهی صفویان در ایران نسبت به زبان فارسی نیز در این هجرت بی‌تأثیر نبود.

این نکته نیز هست که در دوران اسلامی بخصوص در دوران گورکانیان، دین مبین اسلام همراه فرهنگ و ادب پارسی رواج می‌یابد و مردمی که شیفته فرهنگ و ادب ایران‌زمین شدند این میراث فرهنگی را در شئون زندگی سیاسی و اجتماعی خود رخنه دادند و بتدریج با توانا شدن برخی نظامهای حکومتی، زبان فارسی را، زبان رسمی و اداری تعیین کردند و زمینه‌ای شد که برخی نظامهای حکومتی، زبان فارسی را، زبان رسمی و اداری تعیین کردند و زمینه‌ای شد که صاحبان ذوق و هنر و دانشمندان و شعرا و حکما و فلاسفه از هر سو به این دیار بشتابند و شیفتگیها نشان دهند به طوری که آثار بجامانده از این دوران نشان می‌دهد که قریب به هزار شاعر و ادیب که همه به زبان فارسی تسلط و حذاقت خاص داشتند در این سرزمین زندگی می‌کرده‌اند و به زبان فارسی ناب، شعر قوی می‌سروده‌اند و نثر استوار می‌نگاشته‌اند و بسیاری خطیب، نویسنده، مترجم، مفسر، خطاط، تذهیب‌کار و کثیری دست‌اندرکار امور ادبی و فرهنگی که تسلط کافی بر دقائق زبان و ادب فارسی داشتند، آثاری ارزشمند پدید آورده‌اند و بسیاری از متون کلاسیک مشهور ایران نظیر دیوان شعرا و کلیات و منظومه‌های آنان رابه زبان اردو، ترجمه کرده‌اند. ابن بطوطه سیاح و مورخ مراکشی می‌نویسد محمود تغلق تا مدورا آخرین نقطه جنوبی هندوستان را تسخیر کرده است و دربارش پر از دانشمندان و شعرا و فلاسفه ایرانی بودند که از شهرهای مختلف در آنجا جمع شده و همه مورد حمایت و تشویق سلطان قرار گرفته بودند. در این زمان شهرهایی چون تعلق‌آباد و حوض خاص یکی از هفت شهر دهلی را بنا کردند و پس از این دوران نیز بناهایی باشکوه توسط معماران و هنرمندان ایرانی و متأثر از فرهنگ و تمدن ایرانی برپا کردند که تحسین و

حیرت بینندگان را برانگیخت.

با طلوع بابر و تشکیل امپراطور باشکوه تیموریان، دوران درخشانی در شبه قاره با نمودی از سلسله‌های ایرانی و فرهنگ و تمدن ایرانی پدید آمد. تمام امپراطوران این سلسله، ملکه‌های ایرانی داشتند و دو تن از این ملکه‌ها، نورجهان همسر جهانگیر و ارجمندبانو بیگم معروف به ممتازمحل همسر شاهجهان مستقیماً از ایران به هندوستان مهاجرت کرده بودند و پدر ممتازمحل به نام آصف خان یمین الدوله، به مقام صدراعظم هندوستان رسید. مادر بابر (ایران‌بانو) نیز ایرانی و همسر او دختر یکی از امرای افغانستان بود که به جز فارسی، زبان دیگری نمی‌دانست. خود بابر نیز خاطراتش را با عنوان بابرنامه به فارسی نگاشته و به این زبان شعر می‌سروده است. اکبر نیز که یکی از برجسته‌ترین فرمانروایان هندوستان و از بزرگان تاریخ تمدن دنیا و یکی از بزرگترین مشوقین و حامیان تمدن و فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی به شمار می‌رود دوران صباقت خویش را همراه پدرش همایون در دربار ایران گذراند و زبان و ادبیات فارسی را بخوبی فراگرفت و در مراجعت به هندوستان، در وقتی به سلطنت رسید معلم و مربی خویش بیرام یا بهرام خان را که یکی از بزرگان ایران بود به عنوان فرمانده کل قوا و مستشار اعظم انتخاب کرد و با خدمات او طولی نکشید که دربار اکبر از دربار قزوین و بعدها از دربار اصفهان شکل ایرانی‌تری به خود گرفت. مؤلف کتاب هندوستان، "جهانگیر و شاهجهان را از اکبر هم ایرانی‌تر معرفی می‌کند و می‌نویسد هر دو ملکه‌هایی داشتند که مستقیماً از ایران مهاجرت کرده بودند"^(۱). سیاحانی مانند تاورنیه و شاردن نقل می‌کنند که اگر کسی زبان و ادبیات فارسی نمی‌دانست جایش در دربار دهلی نبود و دیر نپایید که دهلی مرکز تمدن و فرهنگ ادبیات فارسی شد و از آنجا به تمام نقاط هندوستان اشاعه یافت و مخصوصاً پس از مراجعت همایون با پانزده هزار ایرانی که شاه طهماسب برای استرداد تاج و تخت به او کمک نمود زبان و تمدن ایران بیش از پیش رونق گرفت.

به هر ترتیب، زبان فارسی روزگاری مایه افتخار و نشان اصالت و فرهیختگی مردم شبه قاره بود و به عنوان زبان رسمی و ایرانی به آن تکلم می‌شد و چهره جذاب و فعال آن در تمدن کهن هند نفوذ و نمود داشت و نه تنها بر سر زبانها و وسیله مکاتبات دیوانی بود که بر تمام کتیبه‌ها و سنگنبشته‌ها و بر سردر معابد و خانقاهها و ساختمانها حضور

چشمگیر داشت^(۱) و اکنون نیز به عنوان آینه دار جمال سخن و کمال معنا و زبان ارزشها و معارف والای بشری یاد می شود. این زبان بخصوص برای مردم امروز پاکستان، زبان آشنایی است و قرن‌ها با تاریخ و ادبیات آنها درآمیخته و جزء ناگسستنی فرهنگشان گردیده است تا جایی که سرود ملی شان نیز با این زبان تنظیم شده است و از این رو است که فرهیختگان و اندیشمندان برجسته این کشور، همواره نسبت به احیای زبان فارسی به عنوان عامل قوام و فرهنگ این سرزمین، اهتمام ورزیده، اعتبار تاریخ و ادبیات این سامان را در گرو اعتبار زبان فارسی دانسته‌اند.

بواقع امروزه حفظ زبان فارسی در شبه قاره هند و پاکستان و کوشش در گسترش آن - که با آغاز سلطه و سیطره استعمار انگلیس (۱۸۷۵ تاکنون) ضعیف و ضعیف‌تر شده است - مجاهده‌ای مبارک و مقدس است. اهمیت آن بر هیچ صاحب بصیرتی، پنهان و پوشیده نیست و هیچ پژوهشگری نمی‌تواند تاریخ و هنر و فرهنگ غنی و پویای هزار ساله اخیر این دیار را به درستی بررسی کند مگر آنکه به زبان فارسی احاطه داشته باشد چون بیشتر مطالب مورد نیاز او با این زبان نوشته شده است و باید که پیوسته چراغ ادبیات فارسی را در سرزمینهایی که روزگاری مهد فرهنگ و ادب ایران زمین بود روشن نگه داشت و آن را چنانکه باید ارج نهاد. واقع آن است که نکات نغز و حکمت‌های بدیع و درس‌های انسانیت، بزرگواری، اخلاق و مردم‌دوستی در ادب فارسی آنقدر حلاوت و لطافت دارد که می‌تواند عطش تمام تشنه‌کامان وادی معرفت و حیرت را به آب عذب خویش سیراب گرداند و ما باید به علاقه شیفتگان و دلباختگان زبان و ادب فارسی در سرتاسر جهان اعتنا کنیم و آتش شوق و اشتیاق فارسی‌دانان و ادب‌دوستان غیرایرانی را نادیده نگیریم.

نگارنده به سهم خود - ولو اندک - کوشیده است تا در این جهت گام‌هایی به پیش بردارد. این کتاب نیز که با عنوان تاریخ مختصر زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره از نظر می‌گذرد نتیجه این نیت است. انگیزه تدوین این کتاب، علاوه بر اهمیت توجه به تأثیر

(۱) در شاهجهان آباد، عمارات دیوان عام و دیوان خاص و مسجد مروارید و نقاره‌خانه‌ها با تمام زیباییشان با نقوش و نوشته‌های فارسی باقی هستند و در معماری عمدتاً از دو سبک هند و ایرانی - اسلامی متأثرند. همچنین است تاج محل از عجائب سبعة دنیا، آرامگاه جهانگیر در سکندرا نزدیک آگره، مقبره همایون در دهلی، مساجد احمدآباد، اجمیر، جونیپور و دهلی، مسجد معروف جمعه دهلی، قطب منار و پیرانه قلعه در دهلی، مسجد شاهی، قلعه سرخ، آرامگاه اقبال، و شالیمار ورام باغ در لاهور.

عمیق فرهنگ و ادبیات ایرانیان در سرزمینهای دیگر و انجام خدمتی به تاریخ و فرهنگ ایران، تأمین منبع بسیار ضروری و مستقل در تاریخ ادبیات ایران در شبه قاره نیز بوده است که جای آن در منابع آموزشی دانشگاهی به صورت اثری مستقل لازم بوده است و دانشجو و پژوهشگر ناگزیر بوده که اطلاعاتی پراکنده و جزئی و به تفاریق از منابع گوناگون به دست آورد.

این کتاب، تاریخ فرهنگ و زبان و ادب ایران و دانشوران و هنرمندان این رشته را از دوره پیش از اسلام تاکنون به اجمال بررسی می‌کند و تأثیر فرهنگ و ادبیات ایرانی و نقش شعرا و عرفا و دانشمندان ایرانی را با زبانی ساده، روان و موجز توضیح می‌دهد و می‌تواند علاوه بر منبع آموزشی و مطالعاتی برای دانشجویان و پژوهشگران ایرانی، برای ایرانشناسان و گروههای فارسی دانشگاههای کشورهای مختلف بویژه آسیای جنوبی و آسیای میانه، مرجع مناسبی باشد. در تدوین و تصنیف این کتاب با تکیه بر تجربه چندین ساله تدریس و تتبع زیاد در منابع مرجع و ملاحظه بیش از ۴۰۰ کتاب مختلف، کوشش به عمل آمده است که مطالب به نحوی نگارش و تنظیم شود که برای دانشجویان، پژوهشگران و مربیان قابل استفاده باشد و آنان بتوانند معلومات زیادی را در متنی فشرده و مختصر - نه تفصیل و طولانی - بیابند.

در کتاب حاضر، به نمایه‌های لازم شامل نویسندگان، شخصیتها، کتابها، مکانها و موضوعها اشاره شده است تا خواننده جستجوگر به آسانی بتواند از منابع در این زمینه، آگاهی لازم به دست آورد. برخی از موضوعات کتاب با مثالها و شواهدی همراه است و نمونه‌هایی درباره موضوعات، روایت شده است. در ابتدای هر فصلی نیز، هدفهای رفتاری و در پایان هر فصل، آزمونهایی در قالب پرسش به منظور سنجش آموخته‌ها، گنجانده شده است.

امید است همانطور که اشاره شد این اثر ناچیز که با انگیزه ارائه معلوماتی بسیار فشرده و با زبانی ساده و همه‌کس فهم درباره تاریخ ادبیات ایران در شبه قاره نگارش یافته بتواند در تکوین بخش عظیمی از ادب فارسی در شبه قاره مؤثر افتد، و روشننگر گوشه‌ای از جهان پهناور و غنی فرهنگ فارسی باشد و همچنین در پاسخگویی به نیازهای دانشجویان و دانشپژوهان و در جهت جلب علاقه و شوق دوستداران ادب

فارسی در فراسوی مرزهای ایران مفید واقع گردد و ان شاء الله پژوهندگان و جویندگان این زمینه از ادب فارسی و عاشقان زیباییهای جاودان ادب فارسی که در راه احیای آثار پیشینیان و استمرار پیوند فکری با موارث قلمی و ذوقی گذشتگان تلاش کرده و می‌خواهند تاریخ ادبیات این دیار را در شبه قاره هند پیگیری کنند با اثری قابل استفاده مواجه شوند. از ارباب دانش و ادب نیز تقاضا دارم، نقایصی را که در این کتاب ممکن است راه یافته باشد به دید اغماض نگریسته، نگارنده را هم به موارد خطا، راهنمایی فرمایند. بمنه و کرمه

نوروز ۱۳۸۲

www.ketab.ir